

Research
Article

The Study of Values and Norms Governing the Prevalence and Spread of Substances in Tehran (Case Study: Shoush District)*

Pasha Rezaei Bidakhavidi¹, Ali Baghaei Sarabi², Asemeh Ghasemi³

Received: 2025/03/07

Accepted: 2025/11/04

Abstract

Objective: The aim of this research was to identify the values and norms underlying the prevalence and spread of addictive substances in the Shoush district of Tehran. **Method:** The research approach was qualitative, and the research method employed was thematic analysis. The study population included local dignitaries and trusted figures, business owners and bazaar merchants, police force personnel, long-time residents of the neighborhoods, mosque trustees, and researchers active in the history of old Tehran. Sampling was conducted purposefully using the snowball technique, reaching saturation after semi-structured interviews with 31 individuals. Thematic analysis was used for data analysis. **Results:** Data coding yielded 169 basic concepts, 27 sub-themes, and 7 main themes. The findings indicated that the values and norms generating the prevalence and spread of addictive substances in the Shoush district included the norm of failure and subjectification, the norm of easy gain, network trust, spatial generativity/productivity, the norm of modeling and simulating, kinship and family chains affirming consumption, and cost-free re-integration. **Conclusion:** The research results suggest that, to eradicate addictive substances in this area, it is necessary to employ community-based approaches along with the empowerment of various individuals and social groups to create conditions for the social reconstruction of the area, thereby diminishing the situational normalization that has formed around addictive substances.

Keywords: Values and norms, Network trust, Spatial Generativity, Easy gain, Cost-free re-integration

*. This article has been extracted from the doctoral dissertation of the first author, conducted at Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.

1. Ph.D. Student, Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: pasha.rezaiebidakhavidi@iau.ac.ir

2. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: a.baghaeisarabi@iauctb.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: asemeh.ghasemi@srbiau.ac.ir

مطالعه ارزش‌ها و هنجارهای شیوع و گسترش مواد مخدر در تهران (مورد مطالعه: منطقه شوش)*

پاشا رضایی بیداخویدی^۱، علی بقایی سرابی^۲، عاصمه قاسمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

چکیده

هدف: هدف این پژوهش شناسایی ارزش‌ها و هنجارهای شیوع و گسترش مواد اعتیادآور در منطقه شوش تهران بود. **روش:** رویکرد پژوهش کیفی و روش پژوهش تحلیل مضمون بود. جامعه مورد مطالعه شامل معتمدان محلی و کسبه و بازاریان، کارکنان نیروی انتظامی، ساکنان قدیمی محلات، معتمدین مساجد و پژوهشگران فعال در خصوص تاریخ تهران قدیم بود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند از نوع گلوله برفی انجام شد که بعد از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۳۱ نفر اشباع حاصل شد. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون استفاده شد. **یافته‌ها:** با کدگذاری داده‌ها ۱۶۹ مفهوم پایه، ۲۷ مضمون فرعی و ۷ مضمون اصلی استخراج شد. یافته‌ها نشان داد که ارزش‌ها و هنجارهای مولد شیوع و گسترش مواد اعتیادآور در منطقه شوش شامل هنجار شکست و سوژه‌شدگی، هنجار منفعت آسان، اعتماد شبکه‌ای، زایایی زیست مکان، هنجار الگوپذیری و مشابه‌سازی، زنجیره‌های خویشاوندی و خانوادگی موبد مصرف و بازپیوندسازی بی‌هزینه بودند. **نتایج:** نتایج تحقیق نشان داد که به منظور ریشه‌کنی مواد اعتیادآور در این منطقه باید با به کارگیری رهیافت‌های اجتماع‌محور همراه با توانمندسازی افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف شرایط را برای بازسازی اجتماعی منطقه فراهم ساخت تا بهنجاری موقعیتی شکل گرفته حول مواد اعتیادآور کمرنگ شود.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌ها و هنجارها، اعتماد شبکه‌ای، زایایی مکانی، منفعت آسان، بازپیوندسازی بی-

هزینه

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران انجام شده است.

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: pasha.rezaebidakhavidi@iau.ac.ir
۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: a.baghaeisarabi@iauctb.ac.ir
۳. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: asemeh.ghasemi@srbiu.ac.ir

مقدمه

امروزه گسترش و شیوع مواد اعتیادآور به دلیل پیامدهای ناگواری که دارد، دولت‌ها را به سمت سیاست‌های ممنوعیت مواد مخدر سوق داده است. با این حال، همچنان شاهد این هستیم که این پدیده در بین گروه‌های سنی و طبقات مختلف اجتماعی در حال گسترش است. بر اساس مطالعات همه‌گیرشناسی شیوع وابستگی به مواد اعتیادآور در طبقات اجتماعی و اقتصادی پایین بیشتر است، اما فقط به این گروه محدود نیست (سادوک، ۲۰۱۴). اما احتمال بروز اختلالات مصرف مواد اعتیادآور در افرادی که از نظر اجتماعی و اقتصادی آسیب‌پذیرند بیشتر است. از جمله مناطق آسیب‌پذیری که در شهر تهران از سال‌های دور با این پدیده روبرو بوده است، منطقه شوش می‌باشد به نحوی که اکنون به یکی از گلوگاه‌های مهم تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر تبدیل شده است.

با عطف به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی هر محله و منطقه، شیوع مصرف مواد اعتیادآور و پیامدهای آن در مناطق جغرافیایی و اجتماعی/فرهنگی خاص با پیامدهای متفاوتی روبرو است. در واقع، با فرض اینکه انسان، مکان و زمان سه عنصر اصلی شکل‌گیری مسائل اجتماعی است (حمزه‌پور و حمزه‌زاده، ۱۳۹۷)، نمی‌توان شیوع مصرف مواد مخدر را صرفاً وابسته به یک رخداد خاص دانست، چرا که تفاوت در ساختار مکانی، خصوصیات رفتاری و در کنار آن عامل زمان موجب می‌شوند تا توزیع فضایی، زمانی، نوع و میزان جرایم در سطح شهر یکسان نباشند. از طرفی، در برخی محدوده‌های شهری کانون‌هایی شکل می‌گیرد که دارای تعداد فرصت‌ها و اهداف مجرمانه بیشتر و به تبع آن جرائم بسیار بالاتری است که به عنوان کانون‌های جرم‌خیز شهری شناخته می‌شوند. نمی‌توان در تحلیل اینکه چرا این وضعیت به وجود آمده است صرفاً به یکی از عامل‌های زمانی، مکانی یا فردی استناد کرد. به عبارت دیگر، شیوع و گسترش مصرف مواد مخدر صرفاً حاصل یک رخداد خاص نیست، بلکه این وضعیت در توازن، مخالفت و یا تأسی از آن رخدادهای سویه‌های مختلفی پیدا کرده است. از طرفی در تحلیل این وضعیت، محتمل است وجه تاریخی یعنی حاکم بودن یک خرده‌فرهنگ خاص در مکان مورد نظر مزید بر

علت باشد. از منظر تحلیل تاریخی، مواد مخدر در یک بستر خاص شکل گرفته که شرایط زمانی، مکانی، ارزشی/هنجاری و نیز نیروهای اجتماعی فعال در آن منطقه به انحاء مختلف در بازتولید و زیایی آن نقش ایفا می‌کنند. در همین راستا، مطالعاتی در این زمینه انجام شده. برای مثال، صفری و حقی (۱۴۰۰) نشان دادند که معاشرت افتراقی^۱، وضعیت بد اقتصادی، فقر فرهنگی، فقر اجتماعی، آسیب روحی و روانی، خانواده افتراقی^۲، محیط آسیب‌زا، چالش روحی و روانی و طرد اجتماعی از مؤلفه‌های اجتماعی اعتیاد در کلیبر می‌باشند. حبیبی بابادی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که مصرف مواد اعتیادآور با وابستگی عملی-احساسی^۳، رانده‌شدگی از جامعه^۴ و خرده‌فرهنگ انحرافی^۵ مرتبط است که خود ناشی از نوعی جدایی از اجتماع می‌باشد. میرفردی و شهریاری (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای گزارش دادند که باورها و آداب و رسوم، تعلیم نادرست والدین با توجه به بعد نسبتاً بالای خانواده‌های اعراب، تبلیغات غلط فرهنگی و علم نداشتن از طریق یک شبکه به هم پیوسته اجتماعی هنجارهای مشوق مصرف مواد هستند. در رابطه با مطالعات خارجی، دیکس و کاسکر^۶ (۲۰۲۱) چهار مضمون شرایط مالی، فیزیکی، عاطفی و بی‌اعتمادی را به عنوان مؤلفه‌های گرایش به مواد مخدر در بین جوانان گزارش می‌دهند.

یافته‌های مطالعه هینبرگر^۷ و همکاران (۲۰۲۱) نشان‌دهنده تأثیرات انتخاب همسالان بر مصرف الکل و تنباکو در نوجوانان است. علاوه بر این، اثرات اجتماعی شدن همسالان بر مصرف الکل نوجوانان بالا می‌باشد. اما، مطالعات نسبتاً کمی اثرات اجتماعی شدن را برای استفاده از تنباکو گزارش کردند. هولم^۸ و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که رابطه بین میزان مصرف، مصرف هنجاری درک شده و پذیرش مصرف با خرده‌فرهنگ مصرف بودند. افزون بر این، باورهای مثبت در مورد مصرف حشیش بخشی از فرهنگ حشیش را تشکیل می‌دهد که برای شروع و حفظ مصرف حشیش ضروری است. نتایج پژوهش اسمال^۹ و همکاران (۲۰۰۹) گویای این بود که در روایت جوانان اولین تزریق مواد تأثیر اجتماعی

1. differential association
2. differential family
3. practical-emotional dependence
4. expulsion from society
5. deviant subculture

6. Dykes & Casker
7. Henneberger
8. Holm
9. Small

متقابل همسالان بسیار برجسته است. یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیرات انتخاب همسالان بر مصرف الکل و تنباکو در نوجوانان است. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد مطالعات اثرات اجتماعی شدن همسالان بر مصرف الکل نوجوانان مثبت است.

اما در مورد منطقه مورد مطالعه در این مقاله وجود گروه‌های توزیع مواد مخدر، نیروهای اجتماعی فعال در تولید و توزیع مواد مخدر، ارزش‌ها و هنجارهای شکل گرفته حول مصرف مواد اعتیادآور و نیز شبکه‌های پنهان توزیع‌کننده و عدم همکاری مناسب ساکنان محله با نیروی انتظامی ویژگی‌های خاصی به پدیده مصرف مواد مخدر در این محله داده است که می‌توان از آن به «فرایند شیوع و نهادینه‌شدن مصرف مواد مخدر در محله شوش» تعبیر کرد، فرهنگی که از نظر تاریخی «جابه‌جایی زمانی (تغییر زمان فروش، توقف کوتاه مدت فروش)، جابه‌جایی تکنیکی (کاربست شگردهای مختلف برای فروش و توزیع مواد)، جابه‌جایی مکانی (تغییر مکان فروش، فروش در خانه)، جابه‌جایی گستره مواد، تعویض و تغییر نقش‌ها در بازار مواد، تغییر نوع مواد مخدر مورد عرضه» (صادقی و فرجیها، ۱۳۹۷) و نیز کمیت و کیفیت مواد مصرفی در بین گروه‌های مختلف اجتماعی (در اینجا جوانان) را در این محله کاملاً متفاوت کرده است. از نظر هنجارهای اعتیاد به مواد مخدر، شاهد نوعی هم‌دستی بین فرد-خانواده-گروه (در قالب منطقه شوش) هستیم که بهنجارسازی و تابوشکنی از مواد مخدر را طبیعی کرده است. در مواردی نیز قدرت محله‌ای و ارزش گروهی افراد و خانواده‌ها به میزان جذب و توزیع مواد مخدر در بین آنها برمی‌گردد. در اینجا، شکل‌گیری خانه‌هایی که از آنها به خانه‌های «دودی» تعبیر می‌شود زایایی مکانی مواد مخدر را بالا برده است. از این منظر، این خانه‌های دودی، خانه‌هایی که از آنها به پلاک‌های قرمز^۱ یاد می‌شود، دروازه غار و هرندی پاتوق‌های مصرف، تولید و توزیع مواد مخدر را مستمر کرده است. در این پاتوق‌های منطقه شوش افراد در یک سازه مستقر نیستند، به این معنا که دسترسی و هنجارمندشدن مصرف مواد مخدر مصرف مواد را

۱. در اصطلاح به خانه‌هایی گفته می‌شود که محل خرید و فروش و استعمال مواد مخدر هستند و افراد مواد می‌خرند یا استعمال می‌کنند. هرچند بعضاً این خانه‌ها توسط نیروهای انتظامی شناسایی شده، اما عملاً به شیوه دیگری و در مکان دیگری فعالیت خود را شروع می‌کنند.

به صورتی در آورده است که از آن به عنوان الگوی خیابانی مصرف یاد می‌شود. پاتوق‌های «گونه شوش» را همچنین باید مدلی برآمده از شرایط اقتصادی، الگوی فرهنگی - تاریخی نمود خیابانی مصرف مواد اعتیادآور در این منطقه دانست که در آن پارک شوش به صورت عیان، مکانی برای مصرف و فروش مواد مخدر است. از نظر اجتماعی، وجود هنجارهای همیاری و اعتماد درون گروهی از یک سو و وجود شبکه‌های متداخل که به صورت عمودی و افقی افراد را در بطن خود جای می‌دهند از سوی دیگر، همگنی و همانندی خاصی به منطقه شوش داده است که با وجود آنکه همواره پاک‌سازی و دستگیری‌های زیادی در این منطقه می‌شود، اما همچنان مکان‌ها و نیروهای اجتماعی مولد، زایایی خود را از دست نداده‌اند.

این لایه‌های چندگانه از نیروهای اجتماعی در دهه‌های پیش از انقلاب هم به دلیل بافت جمعیتی، جغرافیای محل، تمرکز مراکز آسیب‌زا، تراکم گروه‌های با رفتار پرخطر و نزدیکی به گودها و حلبی‌آبادها همچنان گونه شوش را به کانون اصلی مواد اعتیادآور تبدیل کرده است. در دهه ۷۰ الی دهه ۸۰ با وجود اینکه تغییراتی در ماهیت شبکه‌ها و ارزش‌های ذهنی نسبت به این منطقه ایجاد شد، اما به دلیل وجود هنجارها و ارزش‌های موجود در بافت شوش و نیز گروه‌ها و نیروهای اجتماعی فعال در منطقه تابوشکنی تاریخی از این منطقه اتفاق نیفتاده است و با وجود گذشت چند دهه به دلیل پایداری مستمر فقر و تبعات آن در این منطقه، خدشه‌ای به ماهیت این الگو و گونه وارد نشده است، زیرا علاوه بر شرایط درونی این منطقه که در بالا به آن اشاره شد، خیابان‌های جنوبی منتهی به میدان، کوچه‌ها و گذرهای منتهی به میدان هرنندی، معابر خیابان مولوی و پامنار، پارک‌های محلی در مناطق ۱۲ و ۱۶ و ۱۷، حاشیه خط راه‌آهن و حتی دالان‌های تودرتوی بازار بزرگ تهران در صبحگاه ایام تعطیل و ساعات پایانی شب، زایایی و بازتولید «گونه شوش» را مضاعف کرده است. بنابراین، با عطف به مباحث فوق، پرسش اصلی مطالعه حاضر این است که از نظر تاریخی ارزش‌ها و هنجارهای اعتماد و همیاری چگونه در نهادینه‌سازی قاچاق و مصرف مواد اعتیادآور در منطقه (گونه) شوش منجر شده‌اند؟

روش

جامعه، نمونه، و روش نمونه گیری

تحقیق حاضر به صورت کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون بود. جامعه مورد مطالعه شامل کسبه و بازاریان، نیروی انتظامی، ساکنان قدیمی محلات، معتمدین مساجد و پژوهشگران فعال در خصوص تاریخ تهران قدیم بود. نمونه گیری به صورت هدفمند انجام گرفت و در مجموع با تعداد ۳۱ نفر از افراد مصاحبه انجام شد. نمونه گیری هدفمند به صورت گلوله برفی بود. دلیل این استفاده به شرایط و بافت خاص منطقه شوش و دسترسی سخت به نمونه‌ها بود. بنابراین، با دسترسی به نمونه اولیه از طریق آن به سایر نمونه‌ها مرتبط شدیم.

ابزار

بعد از انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۳۱ نفر از مطلعان کلیدی اشباع داده‌ها حاصل شد. به عبارت دیگر، زمانی که به صورت تجربی به این نتیجه رسیدیم که داده‌ها تکراری هستند و اطلاعات جدیدی ارائه نمی‌دهند روند گردآوری را متوقف و به کدگذاری و تحلیل آنها پرداختیم. کدگذاری و تحلیل داده‌ها نیز از طریق تحلیل مضمون و به صورت دستی و کدگذاری باز انجام گرفت. بنابراین، ابتدا داده‌ها چند بار خوانده و روان‌سازی شد، سپس کدهای اولیه استخراج شد، در گام بعدی بر اساس افتراق و اشتراک معنایی کدهای اولیه در دسته‌های مختلفی قرار گرفتند. در گام بعدی، از بین این دسته بندی‌ها مضامین فرعی احصاء و سپس این مضامین فرعی بر اساس وجوه معنای خود طبقه‌بندی شدند و در نهایت مضامین فراگیر استخراج شد. این مضامین دارای بالاترین سطح پوشش و غنای مفهومی بودند که مبانی تفسیر قرار گرفتند. اعتبار داده‌ها از طریق استنادپذیری^۱، انتقال‌پذیری^۲، غوطه‌وری^۳ و بازبینی^۴ فرایند کدگذاری داده‌ها توسط اساتید راهنما و مشاور انجام گرفت. در استنادپذیری از نقل و قول‌های متناسب با مضامین اصلی و فرعی استفاده شد. در انتقال‌پذیری سعی شد که نگارش و تفسیر داده‌ها به نحوی باشد که

مخاطب به سهولت بتواند با متن ارتباط برقرار کند و دچار کج‌فهمی و ادراک ناصحیح از متن نشود. در غوطه‌وری نیز محقق به صورت طولانی مدت با میدان مطالعه در ارتباط بود که در این فرایند تجربه زیسته (زندگی) محقق در میدان مورد مطالعه از یک سو و نیز رفت و برگشت‌های مکرر و مستمر با میدان از سوی دیگر غوطه‌وری را فراهم ساخت. در نهایت، فرایند کدگذاری، استخراج مضامین فرعی و اصلی و نیز تعدیل مضامین و حذف و اضافه کردن برخی از آنها توسط اساتید مشاور و راهنما فراهم شد و در این فرایند پالایش مضامین به خوبی انجام گرفت. به منظور تأمین ملاحظات اخلاقی، حفظ محرمانگی داده‌ها، علاقه به مصاحبه (هیچ‌گونه تحریک، تهییج و نیز القای کاذبی برای مصاحبه ارائه نشد و صرفاً سعی شد که افراد قانع شوند که مشارکت آنها در ارائه داده‌ها و اطلاعات آنها می‌تواند در کنترل مواد مخدر در منطقه شوش نقش مهمی ایفا کند) و نیز عودت داده‌ها به مشارکت‌کنندگان (در جهت صحت داده‌ها بدون کم و کاست) مورد تأکید بود.

یافته‌ها

دامنه سنی مشارکت‌کنندگان بین ۲۱ تا ۸۸ سال بود. از این بین، پنج نفر بین ۲۱ تا ۴۰ سال؛ نه نفر بین ۴۱ تا ۵۰ سال؛ پنج نفر بین ۵۱ تا ۶۰ سال؛ سه نفر ۶۱ تا ۷۰ سال؛ و در نهایت نه نفر دیگر ۷۱ سال و بالاتر بودند. شش نفر از مشارکت‌کنندگان زن و بیست و پنج نفر دیگر مرد بودند. از نظر سطح تحصیلات، چهار نفر بی‌سواد، سه نفر ابتدایی، یک نفر سیکل، سه نفر راهنمایی، یک نفر دیپلم، شش نفر کارشناسی، چهار نفر کارشناسی‌ارشد، سه نفر دانشجوی دکترا و در نهایت شش نفر دیگر دارای تحصیلات دکترا بودند. سابقه فعالیت و سکونت در منطقه شوش در بین مشارکت‌کنندگان متفاوت است. برخی سابقه حضور خود در این منطقه را به قبل از انقلاب می‌دانستند و به تعبیری بومی این منطقه بودند و برخی دیگر نیز سابقه حضور سه ساله در منطقه را داشتند. در مجموع، مشارکت‌کنندگان به طور میانگین بین ۱۰ الی ۱۵ سال سابقه فعالیت داشتند. دو نفر از مشارکت‌کنندگان عطار بودند. چهار نفر مورخ و تاریخ‌پژوه، یک نفر مردم‌شناس و قوم‌نگار، چهار نفر کارمند نیروی انتظامی، یک نفر سمساری، دو نفر گروه اجتماعی، یک نفر خدمتکار مسجد، چهار نفر در سمن، یک نفر خیاط، یک نفر انجمن خودیار، دو نفر کفاش، دو نفر توزیع‌کننده

مواد، یک نفر بیکار، یک نفر در خانه امن شوش، یک نفر در انجمن امام علی (ع)، یک نفر در قالیشوئی، یک نفر در انجمن آسیب‌های زنان و یک نفر در انجمن ترک اعتیاد مشغول به کار و فعالیت بودند.

جدول ۱: مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان

اسم مخفف	سن	جنس	تحصیلات	سابقه کاری / سکونت در محل	فعالیت / شغل
م.ج	۸۱	مرد	ابتدایی	۴۵	عطار و بقال
ک.س	۶۷	مرد	کارشناسی ارشد	۱۲	مورخ و تهران‌پژوه
ف.م	۶۷	مرد	دکترا	۱۵	مورخ و تهران‌پژوه
س.ی	۴۹	مرد	کارشناسی	۸	کارمند نیروی انتظامی
ج.ح	۶۸	مرد	راهنمایی	۳۵	سمساری
ز.ا	۵۳	زن	دانشجوی دکترا	۱۱	عضو سمن
م.ج	۷۷	مرد	بی‌سواد	قبل از انقلاب	کفاش
ر.ک	۴۵	زن	دکترا	۱۶	مدیر سمن
ف.ز	۴۳	مرد	دانشجوی دکترا	۲۴ (بومی محله)	مردم‌شناس و قوم‌نگار
س.س	۸۸	مرد	ابتدایی	قبل از انقلاب	کفاش
ج.ق	۴۴	زن	کارشناسی ارشد	۹	انجمن ترک اعتیاد
ش.ح	۷۶	مرد	بی‌سواد	۴۳	قالیشوئی و ساقی مواد
خ.ی	۵۶	مرد	کارشناسی	۱۱	کارمند نیروی انتظامی
ش.ب	۷۶	مرد	بی‌سواد	۲۶	توزیع‌کننده مواد
ا.ف	۴۳	زن	دکترا	۵	مردم‌شناس و تاریخ‌پژوه
ر.ض	۴۶	مرد	کارشناسی	۷	مرکز آسیب‌های اجتماعی زنان
گ.غ	۴۸	مرد	کارشناسی ارشد	۹	معاون مرکز خانه امن شوش
ع.ج	۴۶	مرد	دکترا	۱۲	انجمن جمعیت امداد امام علی (ع)
م.ش	۵۲	مرد	کارشناسی	۱۱	کارمند نیروی انتظامی
ا.ذ	۵۵	مرد	راهنمایی	۲۱	توزیع‌کننده مواد
ج.ل	۲۱	مرد	دیپلم	۳	بیکار و موادفروش
س.ش	۷۶	مرد	ابتدایی	۳۴	خیاط
ب.د	۸۶	مرد	سیکل	۵۰	خدمتکار مسجد محل
م.و	۳۹	مرد	دکترا	۵	سمن خودیار

جدول ۱: مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان

اسم مخفف	سن	جنس	تحصیلات	سابقه کاری/ سکونت در محل	فعالیت/ شغل
ط.ا	۵۵	مرد	دکترا	۱۴	تاریخ‌پژوه و مورخ
ر.ه	۴۹	مرد	کارشناسی	۷	کارمند نیروی انتظامی
س.ج	۳۸	زن	دانشجوی دکترا	۶	سمن و خیریه
ف.ب	۳۳	مرد	کارشناسی	۵	گروه اجتماعی ^۱
س.پ	۸۶	مرد	بی‌سواد	۴۳	گروه اجتماعی
ز.ن	۴۰	زن	کارشناسی‌ارشد	۳	انجمن خودیار
ف.ر	۸۷	مرد	راهنمایی	۳۰	عطار

در ادامه، با کدگذاری و دسته‌بندی، طبقه‌بندی و در نهایت سازمان‌دهی بین کدها، ابتدا ۱۶۹ کد باز استخراج شد. در مرحله بعد، آنها را بر اساس اشتراک و افتراق معنایی طبقه‌بندی کردیم. با تجمع و طبقه‌بندی مجدد کدهای باز، ۲۷ مضمون سازمان‌دهنده استخراج و در نهایت با تقلیل مفهومی مضامین سازمان‌دهنده، ۷ مضمون فراگیر حاصل شد که مبانی تحلیل داده‌ها هستند.

جدول ۲: مضامین فرعی و اصلی استخراج‌شده در فرایند کدگذاری داده‌ها

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
سرخوردگی و شکست	هنجار شکست و سوژه‌شدگی ^۲
ضعف در اثبات خود در بین دوستان	
ترس از نامرد تلقی شدن در بین دوستان	
انگشت‌نما شدن خود و خانواده	
درآمد بی‌دردسر و راحت	هنجار منفعت آسان ^۳
بی‌نیازی از مهارت و تخصص	
درآمد مبتنی بر توزیع مواد	
دوری از کارگری و رنج جسمی	
دوستان مورد اعتماد	اعتماد شبکه‌ای ^۴

۱. در باند و گروه‌های داخل منطقه بود که در توزیع مواد فعالیت داشت و به عنوان یک نیروی اجتماعی تلقی می‌شد.

2. failure and subjectification norm
3. the norm of easy gain
4. network trust

جدول ۲: مضامین فرعی و اصلی استخراج شده در فرایند کدگذاری داده‌ها

مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
نبود خیانت و زیر آب زدن	
گروه‌های هم‌سود	
عدم ترس از گیر افتادن	
فراوانی مواد	زایایی زیست مکان ^۱
ریشه‌داری مواد در گذشته	
زیادی مواد و افراد وابسته به مواد	
وجود منازل تودرتو و متداخل	
دسترسی بی‌هزینه به مواد	
لوطی منشی و پهلوان مسلکی	هنجار الگوپذیری و مشابه‌سازی ^۲
فرهنگ مراد و مریدی	
ارزشمندی سرپاند بودن	
والدین وابسته به مواد	زنجیره‌های خویشاوندی و خانوادگی مولد
خویشاوندان توزیع کننده مواد	مصرف ^۳
فروپاشی قبح مواد در بین خانواده	
معیشت وابسته به مواد	
سهولت بازگشت به مواد	بازیونندسازی بی‌هزینه ^۴
ضعف مراقبت‌های بعد از ترک مواد	
پذیرش راحت از سوی دوستان	



روانشناسی ماه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هنجار شکست و سوژه‌شدگی

قرار گرفتن در معرض نقد و صحبت‌های دیگران در زمانی که فرد درگیر مواد اعتیادآور نیست و یا قرار گرفتن در پاتوق‌ها و مکان‌هایی که دوستان و اطرافیان مشغول مصرف مواد هستند هنجار قدرتمندی ایجاد کرده است که از آن به هنجار شکست و ترس از سوژه‌شدگی یاد می‌کنیم. این وضعیت زمانی که برخی از افراد سعی دارند از مصرف مواد

1. spatial productivity
2. the norm of modeling and simulating

3. chains kinship and family consumption

دوری کنند منجر به بروز رفتارهای نابهنجار از سوی دیگران می‌شود. زمانی که فرد حس می‌کند دائماً در حال دیده شدن و ارزیابی بی‌مورد دیگران است سعی می‌کند راهی برای رهایی از این وضعیت بیابد. از آنجایی که به دلیل فشارهای ساختاری، محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی و زایایی زیست مکان (در ادامه به این مضمون پرداخته شد) مسیرهای مشروع، مقبول و آسان در دسترس او قرار ندارد سعی می‌کند خود را از راه‌های دیگر از جمله انزوا خود را مصون بدارد. اما چون گونه شوش از حیث زایایی مواد مخدر منحصر به فرد است، مقاومت افراد معمولاً پایدار نیست و در نهایت با ادغام و مصرف مواد سعی دارد از معرض نظارت‌های دیگران خود را خلاص کند و از سوژه شدن دوری کند. بنابراین، سوژه شدن و نگاه‌های نامتعارف دیگران وضع موجود را برای افراد غیر قابل تحمل ساخته و آنها را در شرایط حاد ذهنی قرار داده که به سوی مصرف و همانندی با هنجار غالب حرکت کنند.

آنچه در ترس از سوژه‌شدگی رخ می‌دهد نوعی استراتژی همانندسازی است. جوانان سعی دارند با همانندسازی (هرچند منفعلانه و تحت فشار جمعی) خود با دیگران موقعیت خود را در بازار حفظ کنند. این بازارها به دو شکل هستند: در حالت اول بازار مصرف، تولید و توزیع مواد اعتیادآور است که افراد از طریق آن محدودده و ارزش‌های خاص مربوط به خود را دارند. در حالت دوم بازار خارج از مواد مخدر است که شامل دست‌فروشی، زباله جمع کردن و نیز سرقت است. بازار و ادغام در آن مهم‌ترین موتور محرکه افراد در شوش است. اگر جایی در بازار نداشته باشید به معنای این است که در منطقه شوش فرصت زندگی ندارید. بنابراین، چون این جوانان فاقد مهارت‌های فنی و آموزش‌های پایه دانشگاهی هستند راهی جز ادغام در زیست جهان موجود و انطباق با هنجارها و ارزش‌های موجود را ندارند. این در صورتی است که از نظر فردی و شخصیتی و نیز از نظر پایگاه گروهی و اجتماعی نیز قدرت تغییر وضع و نظم مستقر و هنجارهای نهادینه شده حول مواد اعتیادآور را ندارند. بنابراین، جبر موجود آنها را به سوی ادغام و همانندسازی سوق می‌دهد. یکی از اعضای فعال انجمن‌های خودیار که سابقه ۱۲ ساله فعالیت در شوش و هرنندی را دارد، اظهار می‌کند: "بحث نون و نوایی است که طرف

دنبالشه. یه موردی بهتون بگم که بدونید داستان چیه. ما قبلاً موردی بود که از طریق مددکارها راهنمایی و مشاوره دادیم که سمت مواد نره. بالاخره مدتی مقاومت کرد. ولی چون اکثر اطرافیانش اهل مواد بودن، مجبور شد بره خارج از منطقه شوش دستفروشی کنه. اما، چون سودآوری نداشت و مهارت چندانی نداشت که کار خوبی گیر بیاره، بعد مدتی برگشت و مصرف مواد رو با بقیه شروع کرد و الان شده ساقی چهار سوق بازار که تا سمت امامزاده و سمساری‌ها رو پوشش میده. خیلی الانم خوشحاله! (مرد، ۳۹ ساله، فعال مردم‌نهاد)."

هنجار منفعت آسان

هنجار منفعت آسان از دیگر مؤلفه‌های قدرتمندی است که در گونه شوش وجود دارد و از زمان‌های قدیم در این منطقه وجود داشته است. به گفته معتمدان محلی ریشه این قضیه به دوران پهلوی برمی‌گردد که افراد در دو دسته مشغول به فعالیت بودند. یک دسته در مشاغل ساختمانی و به اصطلاح کارگری مشغول به فعالیت بودند و در طول روز در ساخت و سازها برای کارفرما یا سرمایه‌دار کار می‌کردند و مزد دریافت می‌کردند. خستگی و مشقت این فعالیت‌ها نیازمند نیروی جسمانی بالایی بود، اما کار طولانی مدت را سخت می‌کند. علاوه بر این، افراد مجبور بودند که تا پایان ماه صبر کنند تا مزد خود را دریافت کنند. در مقابل، منفعت آسان بود که از طریق مواد مخدر حاصل می‌شد. در قبل از انقلاب این منفعت آسان از طریق قهوه‌خانه‌ها و استقرار در چایخانه‌های بازار ممکن بود که علاوه بر تریاک شامل قلیان نیز می‌شد، اما با گسترش مواد در پس از انقلاب اسلامی، فزونی و تنوع مواد از یک سو و تقاضای مصرف از سوی دیگر منجر به کنارگذاری محنت و رنج ناشی از کار یدی و ساختمانی بود که فروش و توزیع مواد این امر را فراهم می‌ساخت. با وجود اینکه این فعالیت در آستانه انقلاب و بعد از آن عمومیت نداشت و افراد درگیر در این مسئله با عنوان قاچاقچی شناخته می‌شدند، اما سود آن قابل ملاحظه بود. با گسترش مواد اعتیادآور و منفعت آسان حاصل از آن شرایط برای عمومی شدن مواد مخدر در این منطقه بیشتر شد و شاهد حرکت از منفعت مشقت‌بار به سوی منفعت آسان بودیم.

امیدی که سابقه فعالیت در خصوص معماری و هویت شهری دارد و در حال نگارش کتاب دروازه‌های ویران و هنجارهای لرزان در منطقه شوش است، نقل می‌کند: "پولی که جوونا می‌گرفتند ریال بود و در طول ماه به ۲۰ تومن نمی‌رسید. کارگاه و جوونا، در ماه ۷۰۰ تومن کار میکردن. بعد که مواد بیشتر شد و کاباره‌ها در بخش‌هایی از شهر بود، یواش یواش مواد برا جوونا بیشتر شد. دیگه کسی نمی‌رفت سمت کارگری و حمالی. میومدن مواد جابه‌جا میکردن و میفروختن. این شد که باب شده بود که میگفتن: شب یه سر برو، روز دو سر بخواب. [محقق: یعنی چی این حرف؟] یعنی یه شب مواد پخش کن و بقیه هفته رو بخواب و حال کن و از پولش استفاده کن. چون پولش خوب بود. از اون موقع این ذهنیت ایجاد شد که درآمد راحتی (امیدی، ۵۵ ساله، تاریخ پژوه)."

منفعت آسان با شبکه‌های متداخلی که در این منطقه وجود دارد همراهی می‌شود. از آنجایی که خیلی از افراد به صورت پنهان و آشکار مواد اعتیادآور را توزیع و مصرف می‌کنند، نظارت غیررسمی چندانی وجود ندارد که مانع از منفعت آسان شود. این وضعیت کنش‌های افراد را به سوی کنش‌های نامولد، نامشروع و غیرمجاز سوق داده است که اتفاقاً با شرایط اقتصادی و اجتماعی ساکنان نیز همسو است، به این معنا اکثر افراد فعال در این منطقه (همان‌طور که در سطور پیشین اشاره شد) از نظر پایگاه اقتصادی و اجتماعی و سرمایه فرهنگی و اقتصادی^۱ (البته افرادی که در پلاک قرمزها مدیریت می‌کنند و نیز برخی گروه‌های فعال که به آنها پرداختیم) فاقد بنیان‌های مناسب برای زندگی هستند و در نتیجه به سرعت جذب گروه‌ها و شبکه‌های موجود شده و به منفعت آسان گرایش پیدا می‌کنند.

اعتماد شبکه‌ای

بر اساس اعتماد سنتی در این منطقه افراد نسبت به همدیگر اعتماد داشته و از ارائه اطلاعات، گزارش و شکایت نسبت به همدیگر اجتناب می‌کنند. بنابراین، نوعی سرمایه اجتماعی منفی شکل گرفته که باعث شده مکان‌ها پنهانی، سرباندها، شبکه‌ها و نیز مافیای

۱. این قضیه در خصوص سرمایه اجتماعی برعکس است که در مولفه بعدی تحت عنوان اعتماد شبکه‌ای به آن پرداخته‌ایم.

مواد اعتیادآور دستگیر نشوند. این وضعیت در بین خرده شبکه‌ها نیز وجود دارد و افراد با حمایت از همدیگر نسبت به حضور مأمورها اطلاع پیدا کرده و خود را از منطقه و مکان‌های خاص (که در پاتوق‌ها به آنها اشاره شد) دور می‌کنند. بنابراین، سرمایه اجتماعی و مشارکت در توزیع و مصرف مواد اعتیادآور در اثر هنجار متقابل بده‌وبستان و نیز مشارکت‌های فردی و گروهی بالا است. این عامل خود یکی از زمینه‌های عمق یافتن مواد اعتیادآور در این منطقه است.

فزونی تعداد افراد درگیر در مواد اعتیادآور (از تولید گرفته تا توزیع و مصرف) سرنوشت تعداد زیادی از افراد را در گونه شوش به هم گره زده است. در این وضعیت نابودی، دستگیری و یا لودادن یک نفر ممکن است به منزله دستگیری تعداد زیادی باشد. علاوه بر این، مواد مخدر منبع امرار معاش بخش زیادی از افراد است. این امر باعث شده افراد طی یک هنجار سنتی نسبت به جا، مکان و سایر مشخصات همدیگر احتیاط به خرج داده و به همدیگر اعتماد نسبی داشته باشند. همانندی و همگنی یکی از ویژگی‌های شبکه روابط در بین مصرف‌کنندگان مواد در شوش است و اعضای شبکه از جهت شغلی - جنسی - سنی و حتی نوع مصرف (مصرف سنتی و یا صنعتی مواد) تشابه دارند. این پیوندها باعث شده سرنوشت مشترک بیشتری داشته و همین امر باعث درک متقابل آنها از همدیگر شده و در صورت لزوم افراد شبکه یکدیگر را حمایت می‌کنند. قدرت اعتماد شبکه‌ای به نحوی است که حتی در صورت دستگیری افراد منابع حمایتی کافی برای آزادی او وجود دارد. در نتیجه، در تحلیل اعتماد شبکه‌ای ما از طریق توجه به نوع پیوندها می‌توانیم شاهد حمایت‌های متفاوتی باشیم که فرد از طریق شبکه اجتماعی خود دریافت می‌کند. در بحث از حمایت‌های اجتماعی برآمده از شبکه‌های سنتی، منبع حمایت و اینکه چه نوع پیوندهایی، چه نوع حمایتی را فراهم می‌کند از اهمیت بسزایی برخوردار است.

یکی از کارکنان نیروی انتظامی در خصوص اعتماد شبکه‌ای نقل می‌کند: «به طرق مختلف خانه‌های پلاک قرمز روشناسایی کردیم. دنبال افراد اصلی بودیم. حدود ۲۳ نفر رو در عرض ۲۴ سال گرفتیم. میدونی جالبش چی بود؟ [محقق: چی بود؟] همه به حرف رو میزدن و میگفتن ما کاسیم و دستفروشی میکنیم و از چیزی خبر نداریم. اینکه این

تعداد به حرف رو بززن جالبه. این اعتماد در شوش بین مواد فروش‌ها بوده و هست. چون سرنوشت همه به هم گره خورده. اونجا مواد رو به شکل شغل و کاسبی میبینن نه اینکه آسیب داره و به بقیه ضرر میرسونه (مرد، ۴۶ ساله، کارمند نیروی انتظامی)."

زیایایی زیست مکان

هویت بخشی به خود به عنوان یک فرد وابسته به مواد اغلب نتیجه گرفتار آمدن در شبکه اجتماعی است که اعضای دیگر هم همین وضع را دارند. برای برخی این گروه، گروه مرجع اولیه است و آنها اغلب اوقات خود را با سایر افراد وابسته به مواد سپری کرده و ارتباطات خود را با غیر مصرف کنندگان قطع می کنند. مواد مخدر نماد یگانگی و پیوند گروهی می شود و احساس تعلق به مواد و حمایت قوی را برای ادامه مصرف به آنها می دهد. این وضعیتی است که از آن به عنوان زیایایی زیست مکان تعبیر کرده ایم. زیایایی زیست مکان شوش تحت نفوذ دو مؤلفه است: دسترسی آسان به مواد و حمایت ذهنی و مشوق های مصرف مواد. در واقع، زمانی که فرد نیازمند مواد مخدر است براحتی می تواند به مواد دسترسی پیدا کند و نسبت به بازار با مبلغ کمتری خریداری کند. علاوه بر این، در زمانی که پول ندارد در هنجار بده و بستان متقابل می تواند از مواد دیگران مصرف کند و او هم متقابلاً در فرصت مناسب یا پول آن را پرداخت می کند یا اینکه مواد خود را با دیگران به اشتراک می گذارد. این وضعیت فشار ناشی از شرم و انگ مصرف مواد را به طرز کاملاً محسوسی کاهش داده است. فرد نه تنها با شرم ناشی از مصرف مواد روبرو نیست، بلکه حتی زمانی که مواد ندارد دیگران در یک هنجار متقابل از او حمایت کرده و هزینه مواد او را به صورت قرارداد نانوشته متقبل کرده و آنها می دانند که در یک فرصت مناسب از کمک او بهره مند خواهند شد. بنابراین، زیست مکان زایا هنجار ذهنی مصرف شرایطی فراهم کرده که در بستر آن داغ ناشی از مصرف در یک فضای همسان نادیده گرفته می شود. مصرف مواد با انگ و وابسته به مواد بودن همراه نیست بلکه نوعی فراموشی و سرسپردگی همگانی به مواد وجود دارد که افراد همدیگر را تسکین و تشویق کرده که مصرف مواد مشکل خاصی ندارد.

در واقع، می‌توان گفت رواج مصرف مواد اعتیادآور در شیوع مکانی و محله‌ای در میان جوانان از نمود بالایی برخوردار است. تداوم محله‌ای مصرف، تداوم همسایگی، تداوم و شیوع شهری و مکانی مصرف به منزله ادراک‌های نهادینه‌شده‌ای از زندگی در شوش تأثیر مکان و محل زندگی بر مصرف مواد اعتیادآور است، زمینه‌ای که توانسته یکی از ارکان هنجار آشنایی و گرایش آنها به مصرف باشد. هر چند مکان و محله شوش در ابتدا بستر و فضای جغرافیایی خاصی برای زندگی و بازار برای زیست عده‌ای از اعضای جامعه به نظر می‌آید، اما در زمینه بررسی و تحلیل ما مناسبت‌ها و تعاملات مصرف‌محور اعضا در بطن مکان مورد نظر یعنی شوش به آن هویت خاص داده و به بستری سوق‌دهنده برای مصرف مواد اعتیادآور تبدیل شده است. کیفیت این اثرگذاری در گستره شمولی همچون مصرف مواد توسط همسایگان، اعضای محله و همچنین کوچه‌ها و معابر تنگ و میدانی ترسیم کرد که جوانان در آن زندگی می‌کنند. به گفته ایمانی یکی از مردم‌شناسان و تاریخ‌پژوهان تهران قدیم که روی منطقه شوش مطالعه می‌کند: «انگار کسانی که میان و در اینجا شروع به زندگی میکنند این چیز توی ذهنشون میاد که چون توی شوش هستن باید مواد مصرف کنن. باید تن بدن و تا میتونن بکشن و نشئه کنن. ما از طریق انجمن زندگی پاک خیلی تلاش کردیم و می‌کنیم که این تصور نادرست اصلاح بشه، ولی واقعاً قدرت ارزش‌های اجتماعی قوی‌تر از ما عمل میکنه (مرد، ۵۳ ساله، تاریخ‌پژوه و مردم‌شناس).»

هنجار الگوپذیری و مشابه‌سازی

یکی از هنجارهای قوی در گونه شوش که جوانان و نوجوانان از آن الگوی زیادی می‌گیرند هنجار الگوپذیری و مشابه‌سازی است. این هنجار و ارزش برآمده از منش لوطی‌گری قبل از انقلاب است که در بین بازاریان و مردم باب بود. منش لوطی‌گری (نه به معنای جوانمرد) که با نوعی لابی‌گری نیز همراه بود جذبه زیادی برای جوانان داشته است. این جذبه با زورگیری و میدان‌داری در محدوده‌های خاصی همراه بوده است. لوطی‌ها عمدتاً اهل بزم بوده و به کاباره‌ها و قهوه‌خانه‌ها تردد داشته و برای خود دارای ساز و کارهای خاصی بودند که از طریق افراد هم‌گروه انجام می‌شده است. در ابتدا محله

دروازه غار آکنده از قهوه‌خانه‌ها بوده است. هنوز هم در این محله می‌توان نشان قهوه‌خانه‌های سنتی و دیرینه را گرفت. گاه قهوه‌خانه‌ها دیوار به دیوار هم بودند و هر کدام جایی برای گذران وقت جوانمردان و لوطی‌های محله و پیوستگان‌شان به شمار می‌رفتند. هر گروه اجتماعی محله یکی از این قهوه‌خانه‌ها را پاتوق خود کرده بود. بافتار محله دروازه غار نیز به گونه‌ای بود که لوطی‌های پُرآوازه‌ای که برخی از آن‌ها در رویدادهای سیاسی نیز نقش‌ورزی می‌کردند از آن برمی‌خاستند و نام و آوازه پیدا می‌کردند. از همین رو، زورخانه‌ها در شمار یکی از مهم‌ترین شناسه‌های این محله به حساب می‌آمدند و جایی برای هنرنمایی و باشندگی جوانمردان و ورزشکاران بودند. هنوز هم می‌توان بر درودیوار زورخانه‌ها و قهوه‌خانه‌های دروازه غار عکس پهلوانان و لوطی‌هایی را دید که در محله و در نزد مردم شناخته شده بودند و نام و یاد آن‌ها در ذهن‌ها مانده است. این امر، با فراغت همراه با سرخوشی به همراه بوده و برای جوانان خوشایندی خاصی داشته است. افزون بر این، لوطی‌ها به دلیل اینکه از نظر درآمدی وابسته به کارهای سخت و فشارهای ناشی از آن نبودند، در برخی از موارد از طریق اخاذی و یا درآمدهای نامشروع برای خود کسب سود می‌کردند. این وضعیت نیز برای جوانان که به دلیل ماهیت سنی خود درصدد کسب لذت بوده نوعی الگو محسوب شده و در نتیجه سعی کرده‌اند راه آن‌ها را بیمایند.

با تأسی از این صیغه تاریخی، امروزه در شوش افرادی که میدان‌دار و به اصطلاح پهلوان‌کذایی مواد مخدر هستند کم نیستند. این افراد دارای میدان و محدوده خاص خود هستند که علاوه بر اینکه دارای نوجه‌ها و نوکرهای متعددی هستند، از نظر جسمی و روانی نوعی الگو برای جوانان و نوجوانان محسوب می‌شوند. این افراد دارای سابقه کاری، پول، تعدد مکان‌های تولید و توزیع مواد، معاشرت نامشروع با زنان و دختران متنوع و نیز سابقه درگیری‌هایی هستند که زبان‌زد افراد محله است. این فرایند نوعی انتقال ارزشی ایجاد کرده که جوانان تازه‌کار را نسبت به این افراد مشتاق کرده و سعی دارند به طرق مختلف خود را به آنها نزدیک سازند. در این نزدیک‌سازی فرد باید خود را اثبات کند. برای مثال، چندین بار بدون مزد مواد جابه‌جا کند، در درگیری‌ها از او حمایت کند، امانت‌داری در انتقال مواد به مکان‌های مورد نظر را اثبات کند و نیز در صورت نیاز به جاهایی سفر کند

که خطرات زیادی دارد. در این حالت، افراد تازه کار جلب نظر الگوی خود را مهم‌ترین مسئله دانسته و در نتیجه نوعی سرسپردگی کذایی ایجاد می‌شود.

جوانانی که در شوش هستند از نظر خانوادگی و نیز الگوهای مرجع رفتاری با نوعی بحران روبرو هستند. از طریق گروه‌های مرجع سالم و معتمد نمی‌توانند چالش‌های هویتی خود را رفع کنند. در نتیجه، براحتی در دام الگوهای کذایی و قهرمانان نامشروعی قرار می‌گیرند که خود فاقد هرگونه ارزش و اعتبار مشروع و مقبولی هستند. این وضعیت باعث می‌شود که جوانان انگاره‌های زندگی خوب را از الگوهای بجویند که خود در تنظیم و ترسیم زندگی اجتماعی مورد تایید جامعه ناکام مانده‌اند. یکی از جوانان که سابقه فعالیت برای یکی از این افراد را داشت به‌خوبی این وضعیت را ترسیم می‌کند و می‌گوید: "من موقعی که سیگار میکشید و راه میرفت و همه رو حرفش حرف نمیزدن، خوشم میومد. دوست داشتم همیشه همراهش باشم و جزء تیم اونها باشم. هیکل و ابهت زیادی داشت. چند بار تیزی خورده بود و اصلاً براش مهم نبود که از کسی بترسه. واقعاً مرد بود و خیلی وقتاً پول مواد بچه‌ها رو می‌داد. من خودم خیلی مواد نمی‌کشیدم. بهش می‌گفتم بجاش پول بده. اونم پول می‌داد (فردیس، ۳۳ ساله)."

۱۴۵

145

امروزه، الگوپذیری و مشابه‌سازی در ساختار کنونی زیست‌جهان شوش خود را در اشکال مختلفی حفظ کرده است. از طرز لباس پوشیدن گرفته تا الگوی مصرف و سبک زندگی از جمله این شبیه‌سازی‌ها هستند. از آنجایی که افراد الگو یک شکل نیستند، جوانان نیز در دسته‌های مختلفی خود را به نمایش می‌گذارند. این بنیان‌های تاریخی از این جهت معنادار هستند که فرصت هویت‌سازی به جوانان داده و منش خاصی را ایجاد کرده که اتفاقاً مدرن و جدید نیستند، بلکه بر همبستگی و ابراز خود بر اساس معیارهای سنتی لوطی‌گری، گروه‌سازی، نوچه‌گرایی، سلسله‌مراتب اطاعت‌پذیری و در مواردی خود را فدای دیگران کردن استوار است. یکی از شرکت‌کنندگان این‌گونه بیان کرد که: "من ۲۵ سال تریاک و دارو [منظور هروئین است] مصرف می‌کردم. همه عشق لوطی‌گری داشتن و از قدیم این باب بوده. از دوره صفوی می‌گن بوده تا الانم هست، اما خیلی کم شده. بخصوص جوونا دور هم جمع میشن و یکی رو که مرام داره و میتونه همه رو جمع کنه

انتخاب میکنند و اون میشه سر دسته. از هر نظر که بگی برا جوونا جذابه. اون موقع ما همه دوست داشتیم مثل لطیف سگه باشیم. چون سگ میشد و هر کاری میکرد. نفس کش نداشت. همه چی هم دستش بود، از پول گرفته تا زن و غذا و مشروب و تریاک اصل. این الانم هست و بچه‌ها سرکرده دارن و از اون اطاعت میکنن (سیامک، ۸۶ ساله، دستفروش)."

زنجیره‌های خویشاوندی/خانوادگی موید مصرف

از دیگر مؤلفه‌های شرم‌زدا و انگ‌زدای مصرف مواد مخدر زنجیره‌های خانوادگی و خویشاوندی هستند که به قدرت در گونه شوش وجود دارند. خانواده‌هایی که در شوش هستند غالباً در گیر مواد هستند. این درگیری صرفاً به مصرف مواد بر نمی‌گردد، بلکه به تولید، توزیع و جابه‌جایی آن نیز برمی‌گردد. در واقع، افراد در زنجیره‌هایی از ساختار خانوادگی و قومی-خویشاوندی قرار دارند که مشغول مواد مخدر هستند و از این طریق امرار معاش می‌کنند. این وضعیت نه تنها انگ و شرم ناشی از مصرف مواد را کم‌رنگ ساخته، بلکه مشوق‌های خانوادگی و راه‌هایی که از طریق آن فرزندان از کودکی آشنایی با مواد را یاد بگیرند در بطن خانواده وجود دارد. به تعبیر دیگر، نوعی جامعه‌پذیری و انتقال ارزشی حول مواد مخدر شکل گرفته که اعضای خانواده نسبت به عواید، مضرات، پیامدها و آینده آن توجه دارند. در بین اعضای خانواده نوعی تقسیم کار و نقش‌پذیری حول مواد شکل گرفته است که هر کدام تکالیف و وظایفی دارند. برای مثال، در گونه شوش زنان کمتر مصرف می‌کنند، بلکه جابه‌جایی مواد به صورت خرده‌فروشی را بر عهده می‌گیرند تا کسی به آنها شک نکند. افراد مسن مسئول جیره‌بندی مواد در خانه هستند و از قبل مقدار مورد نیاز را مشخص کرده تا کسی که مسئول توزیع است آن را به متقاضی برساند. فرزندان ذکور در نقش تأمین‌کننده مواد به صورت عمده فعالیت دارند و اکثر آنها نیز مصرف می‌کنند. بنابراین، ساختار و سلسله‌مراتبی در خانواده‌ها و خویشاوندان شکل گرفته که نه تنها مانع گرایش به سمت مواد نیست، بلکه مشوق فداکاری اعضای خانواده نیز هست.

یکی از فعالین شاغل در انجمن‌های خودیار اظهار می‌کند: "ما خانواده‌هایی بودن که همه رو کشتوندیم به سمت ترک. اما دوباره از طریق خویشاوندان برگشتن سمت مواد. همه قوم و خویش و ... بودن. همه هم درگیر مواد و خرید و فروش بودن. یه جورایی همه مشوق هم بودن و اصلاً شرم و حس بدی هم نداشتن. میدونی فکر میکردن حشون خورده شده و از این طریق دارن به حشون میرسن (زن، ۴۳ ساله)."

زنجیره‌های خانوادگی مانع از انقطاع فرد از مواد می‌شوند. زمانی که فرد در انجمن‌ها یا فضای بیرون از خانواده در صدد ترک و اجتناب از مواد باشد، استمرار زندگی خانوادگی مانع از آن می‌شود که فرد سلامت اجتماعی و روانی خود را بازیابد. در واقع، این وضعیت منجر به چیزی می‌شود که از آن به عنوان بازپیوندسازی بی‌هزینه تعبیر کرده‌ایم (در ادامه به آن پرداخته شده است). در این شرایط، زمینه‌های لازم برای پیوند دوباره فرد با مواد مخدر مهیا است و لازم نیست دوباره فرایندها و نقش‌های خاصی را بپذیرد تا در جریان تولید، توزیع و مصرف مواد قرار بگیرد. در نتیجه، ارزش‌های زندگی خوب در بطن خانواده و خویشاوندان تعریف شده که فرد باید اعتبار و ارزش خود را در بازار پیدا کرده، چالاک باشد، با سرعت و اطمینان بالا در جابه‌جایی مواد تلاش کند، از معیارهای خانوادگی و خویشاوندی عدول نکرده و آنچه بر عهده اوست را بپذیرد. بنابراین، این ساختارهای خانوادگی و خویشاوندی مولد ارزش‌ها و هنجارهای حول مواد هستند که خود ریشه در جامعه‌پذیری دارد که از پدر و پدران به آنها رسیده و آنها نیز به طرق مختلف آن را بازتولید می‌کنند.

بازپیوندسازی بی‌هزینه

بازپیوندسازی بی‌هزینه به این معناست که افراد بدون اینکه با فشارها، محدودیت و نیز مراقبت‌های خانوادگی یا انتظامی خاصی روبرو شوند، بعد از ترک مواد اعتیادآور یا اتمام زندان به راحتی به مواد مخدر و تولید، توزیع و یا مصرف آن برمی‌گردند. در گونه شوش بازپیوندسازی بی‌هزینه از دو طریق انجام گرفته است: شبکه‌های اجتماعی که اعتماد سنتی را به طرق مختلف تأمین کرده‌اند و نوعی حفاظ ایمن‌شناختی قوی در این منطقه شکل گرفته است. دوم، خویشاوندان و خانواده‌ها که حمایت روانی لازم را به عمل آورده که

فرد در صورت شکست بتواند دوباره در فرایند نقش‌های خود قرار بگیرد و دوباره در بازار فعال باشد. در نتیجه، این وضعیت موانعی که باعث دوری جوانان از مواد اعتیادآور می‌شود را از بین برده و با سرعت تسهیل‌گری لازم را برای بازگشت و پیوند دوباره جوانان به مواد را فراهم ساخته است. از آنجایی که جوانان از نظر اجتماعی و سرمایه اقتصادی امکان ادغام در اشتغال مشروع و مجاز را ندارند، بهترین راه را در بازگشت و پیوند مجدد با زیست‌جهان خود می‌دانند، زیست‌جهانی که قبلاً آنها را در نیل به اهداف مقبول خود ناکام گذاشته است. بنابراین، فرد برای پیوند مجدد با ساختار پیشین خود هزینه چندانی نمی‌پردازد و چون می‌بیند خانواده و خویشاوندان و نیز سایر دوستان و شبکه‌هایی که با آنها در ارتباط است فعالانه در این عرصه فعالیت می‌کنند شرم چندانی برای بازگشت ندارد. علاوه بر این، چون انگ و برجسب فرد وابسته به مواد یا توزیع‌کننده و امثالهم را در ساختار خارج از زیست‌جهان خود را پذیرفته با فشار اجتماعی و روانی چندانی روبرو نیست. سعیدی از تاریخ‌نگاران منطقه شوش که در خصوص تهران قدیم مطالعات میدانی و شفاهی انجام می‌دهد، این وضعیت را به خوبی ترسیم می‌کند و اظهار می‌کند: "یه عده‌ای در مصرف صرفه‌جویی میکردن و یه عده‌ای هم سهم خود را مصرف میکردن و راهی خیابون میشدند. به نظر من موقعی که مردم راهی خیابون شدن دیگه معلوم بود که دو اتفاق افتاده: یکی اینکه به مواد وابسته شدن و دومی اینکه مصرف مواد چیز بدی نیست که بری از کوچه و بازار بخری و بکشی. یعنی مردم و اجتماع این قضیه را پذیرفتند و واکنش چندان منفی ندارند (سعیدی، ۶۷ ساله، مورخ تهران قدیم)."

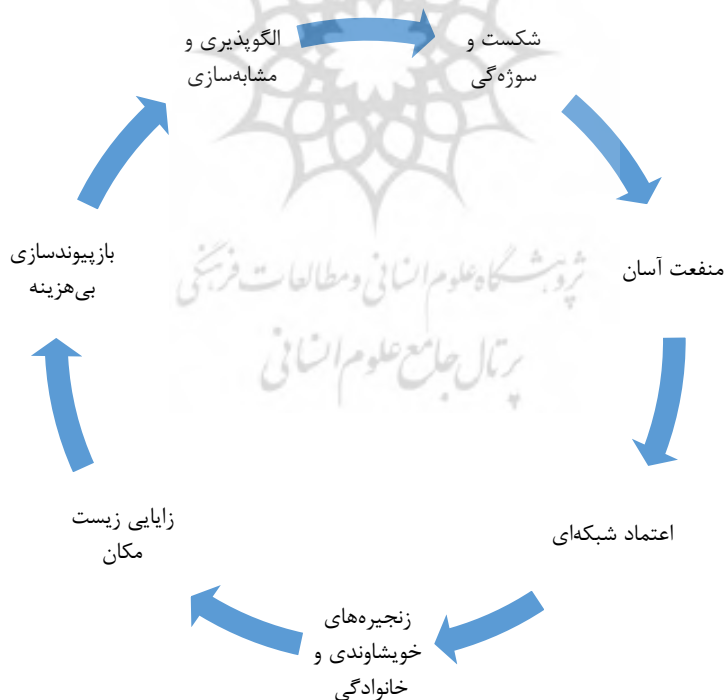
ریشه تاریخی بازپیوندسازی بی‌هزینه به قهوه‌خانه‌ها و بست‌ها برمی‌گردد که افراد در آنجا جمع شده و نسبت به حضور مأموران یا آنچه افراد محلی از آن به عنوان امنیه یاد می‌کنند همدیگر را مطلع می‌ساختند. امنیه مأمورانی بودند که امنیت منطقه را تأمین می‌کردند و با حضور سرزده و ناگهانی خانه‌های مصرف مواد را تعطیل می‌کردند. قبل از انقلاب افراد در قهوه‌خانه‌ها و خانه‌های مصرف مواد (همان‌گونه که در پرسش اول و دوره اول به آن اشاره شد) مواد را به دو شکل مصرف می‌کردند: یا دود می‌کردند یا در چای یا آب گرم حل می‌کردند. در این حالت نوعی آشفستگی همراه با تفنن ایجاد شده که مانع از

فعالیت‌های مؤثر افراد می‌شد. بنابراین، امنیه نسبت به آنها واکنش نشان می‌داد. در زمانی که این پاتوق‌ها تعطیل می‌شدند، افرادی که در آنها مشغول به کار بودند توسط دیگران حمایت شده و به اشکال مختلف مورد توجه قرار می‌گرفتند. برای مثال، در حمام‌های عمومی یا در گروه‌های لوطی مسلک (که در مؤلفه الگوپذیری و مشابه‌سازی مورد بررسی قرار گرفت) جذب می‌شد. با وجود اینکه این پیوند مجدد لزوماً مرتبط با مواد مخدر نبود، اما ارتباط نزدیکی با آن داشت.

یکی از کسبه‌های محلی که عطاری دارد و خود تجربه این وضعیت را داشته به خوبی این فرایند تاریخی را تشریح می‌کند: "من در چایخونه وسط بازار که الان بالای دیواره نوشته چهارسوق و یکی میره سمت بازار مولوی و یکی میاد سمت مترو و بازار، کار می‌کردم. اونجا تریاک رو هم توی چای حل می‌کردیم و می‌دادیم مردم. البته اینطوری نبود که بگن طرف تریاکیه. چون مثل الان مواد شیمیایی نبود. بعد امنیه اومد و چایخونه رو تعطیل کرد. سه نفر اونجا کار می‌کردیم. هر سه در حموم و عطاری کار کردیم. اونجا هم یه جورایی تریاک بود. تو حموم میخوردن میگفتن برا رطوبت بدن خوبه و عطاری هم خودم بودم اصلاً میگفتن دارو. این حمایته بود و یه جوری سنت بود. الانم هست. اما واقعیتش بد شده. چون مواد شده زندگی مردم و طرف آلوده شده و نابود شده. اون موقع اینطوری نبود. کراک یا شیشه کسی نمیدونست چیه. الان هوای همو دارن که گیر نیفتن نه اینکه مرام بدارن و لوطی‌گری باشه (فاضل، ۸۷، ساله، عطاری)."

منطقه شوش از نظر تراکم و غلظت تعاملات اجتماعی از سطح بالایی برخوردار است. اکثر افراد در این منطقه شناخت نسبی از همدیگر دارند و به دلیل نزدیکی بازار سطح روابط از تراکم بالایی برخوردار است. از این حیث، ادغام در ساختار اجتماعی مستلزم اثبات خود در شبکه‌ها و گروه‌های موجود است. این فرایند روابط را ارگانیک و چهره به چهره ساخته است (البته برای ساکنان، بازاریان و افراد وابسته به مواد نه خریدارانی که به صورت موقت به بازار رفت و آمد دارند). هنجارها و ارزش‌ها، همه باید و نبایدها و انگاره‌های مطلوب و نامطلوبی هستند که حول مواد مخدر شکل گرفته‌اند. این باید و نبایدها و مطلوب و نامطلوب‌ها گسترش مواد مخدر را تسریع یا مانع گسترش آن می‌شوند.

در اینجا، ارزش‌ها و هنجارهای حول مواد مخدر شکل گرفته که مصرف مواد مخدر را از شرم اجتماعی، انگ و داغ‌ننگ، فشارهای خانوادگی، پنهان‌کاری در مصرف و خرید و فروش آن، دستگیری و زندان رفتن دور ساخته است. بنابراین، با ایجاد فضا برای عمومیت یافتن آن نوعی عمومیت و ضرورت کارکردی به آن داده که حتی برای امرار معاش امری پذیرفته محسوب می‌شود. بنابراین، هنجارها و ارزش‌های آن چیزهایی هستند که مواد مخدر را در میدان و گونه شوش به شکل خاصی درآورده که افراد نسبت به مصرف و خرید و فروش آن حس ناکامی، سرخوردگی، شرم، انگ و ترس کمتری دارند. برای مثال، در بین افراد هنجاری شکل گرفته که در آن مصرف مواد مخدر همچون هروئین ماده مخدر تعریف نمی‌شود، بلکه از آن به دارو تعبیر می‌شود. این امر خود افراد را ترغیب می‌کند که در شرایط خاص همچون بیکاری یا فشارهای مالی و سرخوردگی‌های اجتماعی از آن به عنوان دارو استفاده کنند.



نمودار ۱: شبکه مضامین فراگیر هنجارها و ارزش‌های مواد مخدر در منطقه شوش

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که یافته‌ها نشان می‌دهد هنجارها و ارزش‌های شکل گرفته که شامل هنجار شکست و سوژه‌شدگی، هنجار منفعت آسان، اعتماد شبکه‌ای، زایایی زیست مکان، هنجار الگوپذیری و مشابه‌سازی، زنجیره‌های خویشاوندی و خانوادگی موید مصرف و بازپیوندسازی بی‌هزینه هستند بیانگر این موضوع است که در یک وضعیت بهنجاری موقعیتی در این منطقه هستیم. این امر مواد مخدر را به امری طبیعی و عادی تبدیل کرده است که به همین خاطر شاهد آن هستیم که مواد مخدر حتی به زندگی اقتصادی و معیشت آنها جهت داده است. این بهنجاری موقعیتی که ریشه در تاریخ قبل از انقلاب اسلامی دارد انگاره زندگی متفاوت و عاری از مواد را تا حدی کاهش داده است، گویی افراد این ذهنیت را نهادینه کرده‌اند که مواد مخدر مخل زندگی آنها نیست. در این وضعیت، انگ و شرم اجتماعی ناشی از آن کم‌رنگ شده است و افراد در چرخه زنجیره‌های خانوادگی و خویشاوندی از یک سو و زایایی زیست مکان خود از سوی دیگر به راحتی در پاتوق‌ها و فضاهای موجود به مصرف و یا خرید و تولید مواد دست می‌زنند. افزون بر این، بر اساس اعتماد سنتی در این منطقه افراد نسبت به همدیگر اعتماد داشته و از ارائه اطلاعات، گزارش و شکایت نسبت به همدیگر اجتناب می‌کنند. در نتیجه، نوعی سرمایه اجتماعی منفی شکل گرفته که باعث شده مکان‌ها پنهانی، سرباندها، شبکه‌ها و نیز مافیای مواد مخدر دستگیر نشوند. این وضعیت در بین خرده شبکه‌ها نیز وجود دارد و افراد با حمایت از همدیگر نسبت به حضور مأمورها اطلاع پیدا کرده و خود را از منطقه و مکان‌های خاص (خانه‌های پلاک قرمز، خانه‌های دودی، خانه‌های اجاره‌ای) دور می‌کنند.

از حیث همسویی یافته‌ها با تحقیقات پیشین باید گفت که یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیقات صفری و حقی (۱۴۰۰)، علیزاده و همکاران (۱۳۹۹)، شاهچراخ و همکاران (۱۴۰۰)، نیازی و همکاران (۱۳۹۸)، حبیبی بابادی و همکاران (۱۳۹۹)، میرفردی و شهریاری (۱۳۹۶)، دیکس و کاسکر (۲۰۲۱)، هینبرگر و همکاران (۲۰۲۱)، هولم و همکاران (۲۰۱۴)، اسمال و همکاران (۲۰۰۹)، نگوبین و اسکائناپیکو^۱ (۲۰۰۸)، چن^۲ و

همکاران (۲۰۱۲)، ویتسل^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، ناوی^۲ و همکاران (۲۰۲۱) و ساتلو^۳ و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. این همسویی در تاکید بر مولفه‌هایی همچون هنجارها و ارزش‌ها، مکان، خانواده‌ها و یادگیری، جامعه‌پذیری مواد اعتیادآور، الگوپذیری، و روابط شبکه‌ای است که با مضامین مستخرج در پژوهش همسویی دارند. در واقع، این پژوهش‌ها تاکید دارند که با فرض اینکه انسان، مکان و زمان سه عنصر اصلی شکل‌گیری مسائل اجتماعی است، شیوع مصرف مواد مخدر را مبتنی بر نوعی از ارزش‌ها، هنجارها و نیز خرده‌فرهنگ خاصی می‌دانند که در یک مکان خاص زایایی خاص خود را دارد. در این پژوهش ما نشان دادیم که در بافت خاص شوش نوعی از هنجارها و ارزش‌های خویشاوندی و زنجیره‌ها و شبکه‌ای خانوادگی و دوستانه شکل گرفته که امکان نمی‌دهد افراد به راحتی از مواد رها شوند. در نتیجه، مواد مخدر زاییده کنش‌های متقابل، یادگیری و نیز انگ و برچسب‌های است که در بستر تعاملات اجتماعی رخ می‌هد. این امر از حیث نظری با ملاحظات مفهومی نیز همخوانی دارد، زیرا تاکید این پژوهش بر یادگیری، انگ‌ها و برچسب و وجود خرده نظام مواد مخدر در بین گروه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که ارزش‌های قدرتمندی در بافت منطقه وجود دارد که افراد در سنین پایین آنها را یاد گرفته و با بازتولید آنها در بین دوستان و تایید آنها در بین اعضای خانواده، ضمن اینکه از نظارت اجتماعی غیر رسمی ایمن هستند، با استفاده از اعتماد شبکه‌ای به راحتی از نظارت اجتماعی رسمی (توسط پلیس) خود را حفظ می‌کنند. بنابراین، باید گفت که ترس از انگ کاهش یافته و در صورتی که با دستگیری روبرو شوند بعد از مدتی پیوندهای خود را باز می‌یابند و به سمت مواد سوق پیدا می‌کنند.

در مجموع، در شوش به دلیل ریشه‌های تاریخی اعتماد شبکه‌ای و هنجار منفعت آسان شاهد شکل‌گیری زایایی زیست مکان هستیم. از این منظر، شکل‌گیری خود فرد وابسته به مواد نتیجه تعامل نمادین او با جامعه است و فرد سعی می‌کند به دلیل ترس از شکست و سوژه‌شدگی در بین اطرافیان تا حد ممکن خود را مشابه دیگران سازد. این چرخه به دلیل

ارتباط با زنجیره‌های خانوادگی و خویشاوندی دائماً تولید و بازتولید می‌شود. به تعبیری، فرایند وابسته شدن به مواد و ادامه آن متأثر از عکس‌العمل گروه‌های اجتماعی در مقابل فرد وابسته به مواد است که اجازه نمی‌دهد فرد فراتر از زیست مکان خود به کنش پردازد، زیرا این امر مستلزم پذیرش او در بازار مجاز و غیرمجاز بافت شوش است. از طرفی، استمرار بر اعتیاد نتیجه شبکه‌های سنتی اعتمادی است که این امر خود نیز ریشه در تاریخ لوطی‌گری منفی در بافت شوش دارد که جوانان سعی می‌کنند از طریق الگوپذیری و مشابه‌سازی خود با پهلوانان کذایی برای خودشان حیثیت کذایی فراهم کنند. این رویه نیز نشان‌دهنده شکل‌گیری خود هر فرد در تعامل با افراد و گروه‌های جامعه است. در این فرایند تاریخی وابسته به مواد خواندن فرد یا افرادی از جانب محیط پیرامون‌شان در شکل بخشیدن به خود آنها کارساز شده و انگ و برجسب منفی را زدوده است، به طوری که در هویت افراد چنان سرشته شده که فرد مبتلا به نیز آگاهانه و (بعضاً عامدانه) آن را درونی ساخته و زندگی خود را در چارچوب آن به پیش می‌برد. الحاق در زیست‌جهان شوش با وجود محدود ساختن دایره ارتباطات و مناسبات فرد با بیرونی‌ها خود شکل یافته او را برای زندگی در بافت شوش را خدشه‌دار نساخته است، بلکه او را در بین شبکه‌های هم‌شکل جامعه‌پذیر ساخته است. بنابراین، افراد وابسته به مواد در نگاه به خود و مقایسه وضعیتی که بدان مبتلا شده‌اند این را در اذهان خود متبادر می‌سازند که شرایط پیش آمده سرنوشت محتوم آنها بوده که دیگر گریزی از آن نیست. آنها به تدریج گذشته خود را به کنار نهاده و هویتی دیگر برای خود تعریف می‌کنند.

با وقوع انقلاب اسلامی بازسازی انسان‌شناختی (تا دهه ۷۰) زیادی شکل گرفت. اما زایایی مکانی مواد مخدر با پاتوق‌های جدیدی از جمله خانه‌های دودی، منازل پلاک قرمز و خانه‌های اجاره‌ای همراه شد که این امر دو پیامد مهم در پی داشت: بازپیوندسازی بی‌هزینه را در پی داشت و زنجیره‌های خویشاوندی و خانوادگی مولد مصرف شکل گرفت که از آنجایی که تراکم و غلظت روابط اجتماعی در این منطقه بالا بود، ناشناختگی گروه‌های اجتماعی منجر به افزایش خرده‌فروشی مواد در سطح محله‌های مختلف شد. نیروهای اجتماعی فعال در سطح منطقه که شامل خرده‌فروش‌های محلی و نیز اتباع بودند میدان‌های

مختلفی را به خود اختصاص دادند و با ایجاد درون‌گروه‌های قوی مرزبندی‌های خود را در نسبت با همدیگر مشخص کردند. این امر ضمن اینکه کمربندهای توزیع و مصرف مواد را تداوم بخشیده است امکان شناسایی این گروه‌ها را به دلیل زیایی مکانی مصرف مضاعف کرده است به نحوی که شاهد حرکت از مصرف سنتی به مصرف صنعتی (دهه ۸۰) و کنترل‌های انتظامی رسمی هستیم. در کنار این وضعیت، نیروهای خارج از میدان و منطقه با سلسله مراتب قوی در قالب مافیای مواد مخدر ضمن اینکه بازار مواد را بساخت کرده‌اند به نیروهای محلی و اتباع درگیر در مواد نیز جهت و شکل می‌دهند. بنابراین، با وجود رکن سوم نیروهای اجتماعی فعال که سازمان‌ها، انجمن‌ها، گروه‌های مردمی و جهاد و نیز معتمدین محلی هستند، همچنان بازار مواد مخدر گرم است و فعالیت‌های پیشگیرانه و توانمندساز این نیروها (با وجود اقدامات مثبت زیادی که داشته و دارند) چندان کارآمد نبوده است. این رویه که رواج الگوی خیابانی مصرف مواد (دهه ۹۰ تا اکنون) و ترویج رویکردهای اجتماع‌محور غیر رسمی را نشان می‌دهد ناشی از بی‌مهارى و مصرف مواد مخدر در میدان شوش است که نشان می‌دهد شیوع و مصرف مواد مخدر در این منطقه نوعی بهنجارسازی موقعیتی ایجاد کرده تا با کمترین ترس و دلهره به مصرف مواد پردازند. افراد علناً مواد مصرف می‌کنند و داغ‌انگ و بی‌اعتباری برای آنها مهم نیست. بنابراین، آنها هیچ‌گونه اراده‌ای برای خروج از وضعیت موجود خود نشان نداده و با هویت کنونی خود کنار می‌آیند. گاهی طرز نگرش آنها نسبت به وضعیت خود و دیگران به گونه‌ای است که انگار وضعیت آنها را کسی جز خودشان متوجه نمی‌شود و این دیگران هستند که برای زندگی طبیعی آنها مزاحمت و اختلال ایجاد می‌کنند. در این شرایط حتی اگر به دلیل دستگیری یا پلمپ پاتوق‌ها با اختلال موقتی در زیست خود روبرو شوند بعد از آزادی با حمایت شبکه‌های درهم‌تنیده‌ای روبرو می‌شوند که بازپیوندسازی آنها را با کمترین هزینه متقبل می‌شود. به منظور ریشه‌کنی مواد مخدر در این منطقه باید با بکارگیری رهیافت‌های اجتماع‌محور ضمن توانمندسازی افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف شرایط را برای بازسازی اجتماعی منطقه فراهم ساخت تا بهنجاری موقعیتی شکل گرفته حول مواد مخدر کمرنگ شود. افزون بر این، باید بر ایجاد حساسیت‌های

محلّه‌ای افزود تا افراد با رصد محلّه و منطقه خود با نوعی مقاومت مدنی در جهت مقابله با افراد وابسته به مواد تلاش کنند و از این طریق با گزارش پاتوق‌ها و مکان‌های مصرف و شیوع مواد مخدر از حجم مواد بکاهند. در کنار این موارد، ایجاد فضای برای دسترسی به درآمد مجاز و مشروع برای خانواده‌ها، ایجاد بسترهای برافزایش مهارت‌های کلامی و ارتباطی در جهت نه گفتن به مواد مخدر در بین گروه‌های تولید و توزیع مواد مخدر و نیز تلاش برای تجمیع فعالیت گروه‌ها و نهادهای فعال در منطقه در جهت موازی‌کاری ضروری است. افزون بر این، انجام تحقیقاتی همچون بررسی عوامل مؤثر بر ناکامی نهادهای اجتماعی و مردم‌نهاد و نیز تلاش‌های نیروی انتظامی در کاهش تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر، فهم مناسبات بین گروه‌های خارج از منطقه با درون منطقه و مطالعه نقش خانواده‌ها و زنجیره‌های تولید و توزیع مواد مخدر لازم به نظر می‌رسد. در نهایت، محقق با محدودیت‌هایی از جمله چالش‌های سیاسی/امنیتی ورود به منطقه، نظارت‌های بی‌مورد بر کار محقق و عدم همکاری سازمان‌های متولی، ترس از ارائه اطلاعات توسط مشارکت‌کنندگان و فقر مطالعاتی در این منطقه (با وجود اینکه مهم‌ترین منطقه تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر در تهران است) روبرو بود که لازم است محققان دیگر آنها را مدنظر قرار بدهند.

منابع

- حبیبی‌بابادی، احمدقلی؛ هاشمیان‌فر، سیدعلی و محمدی، اصغر (۱۳۹۹). فهم و شناسایی عوامل روانی اجتماعی خرده‌فرهنگ‌های مرتبط با مصرف مواد مخدر: یک مطالعه گراندد تئوری. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۸(۴)، ۴۵۹-۴۴۹.
- حمزه‌پور، رزگار و حمزه‌زاده، فرهاد (۱۳۹۷). *بررسی و تحلیل پراکنش فضایی کانون‌های جرم‌خیز (نمونه موردی: شهر مرزی سردشت)*. سومین همایش بین‌المللی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پاک، همدان.
- شاه‌چراخ، سیدعلی؛ خواجه‌نوری، بیژن؛ احمدی، حبیب و رجیبی، ماهرخ (۱۴۰۰). مطالعه فرایند بر ساخت‌الگوی تعاملی فرد-خانواده-جامعه و گرایش به مواد مخدر صنعتی در شهر سمنان. *جامعه-شناسی نهادهای اجتماعی*، ۱۸(۱)، ۱۷۵-۲۰۹.
- صادقی، آزاده و فرجیها، محمد (۱۳۹۷). واکنش بازارهای خریدوفروش مواد مخدر در برابر تدابیر کنترلی پلیسی: کاهش یا جابه‌جایی. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۶(۲۳)، ۱۷۰-۱۴۳.

صفری، حسین و حقی، ناصر (۱۴۰۰). مطالعه کیفی عوامل اجتماعی اعتیاد به مواد مخدر، مطالعه موردی: معتادین مواد مخدر شهر کلیر. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۴ (۵۰)، ۸۹-۱۰۴.

علیزاده، مهناز؛ ابادری، یوسف؛ ترکمان، فرخ و کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۹). بر ساخت اعتیاد و روند ابژه‌سازی معتاد در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱ (۱)، ۲۰۱-۱۷۷.

میرفردی، اصغر و شهریار، مرضیه (۱۳۹۶). مطالعه قوم‌نگارانه هنجارها و توصیه‌های عامیانه تشویق-کننده مصرف مواد مخدر (مورد مطالعه: قوم عرب شهرستان اهواز). *فصلنامه اعتیاد‌پژوهی*، ۱۱ (۴۳)، ۱۰۵-۱۲۵.

نیازی، محسن؛ نوروزی، میلاد و حسینی ادیب‌پور، ندا (۱۳۹۸). اعتیاد در زنان: یک مطالعه روایت‌پژوهی (تجربه زیسته زنان مصرف‌کننده مواد در شهر اصفهان). *پژوهش‌نامه زنان*، ۱۰ (۳۰)، ۱۷۱-۱۳۵.

References

- Chen, H. J., Balan, S., & Price, R. K. (2012). Association of contextual factors with drug use and binge drinking among White, Native American, and Mixed-Race adolescents in the general population. *Journal of Youth and Adolescence*, 41(11), 1426-1441.
- Dykes, G & Casker, R. (2021). Adolescents and substance abuse: the effects of substance abuse on parents and siblings. *International Journal of Adolescence and Youth*. 26(1), 224-237.
- Henneberger, A. K., Mushonga, D. R., & Preston, A. M. (2021). Peer influence and adolescent substance use: a systematic review of dynamic social network research. *Adolescent Research Review*, 6(1), 57-73.
- Holm, S., Sandberg, S., Kolind, T., & Hesse, M. (2014). The importance of cannabis culture in young adult cannabis use. *Journal of Substance Use*, 19(3), 251-256.
- Nawi, A. M., Ismail, R., Ibrahim, F., Hassan, M. R., Manaf, M. R. A., Amit, N., ... & Shafurdin, N. S. (2021). Risk and protective factors of drug abuse among adolescents: a systematic review. *BMC Public Health*, 21(1), 2088.
- Nguyen, V. T., & Scannapieco, M. (2008). Drug abuse in Vietnam: a critical review of the literature and implications for future research. *Addiction*, 103(4), 535-543.
- Sadock, B. J. (2014). *Kaplan and Sadock's Synopsis of Psychiatry: Behavioral Sciences/Clinical Psychiatry*. Eleventh edition, Philadelphia, 443-446.
- Small, W., Fast, D., Krusi, A., Wood, E., & Kerr, T. (2009). Social influences upon injection initiation among street-involved youth in Vancouver, Canada: a qualitative study. *Substance Abuse Treatment, Prevention, and Policy*, 4, 8.
- Sutlu, A., Til, A., & Kilinc, A. S. (2021). The prevalence of drug use among high school students and affecting factors: a community-based cross-sectional study. *ADDICTA: The Turkish Journal on Addictions*, 8(1), 30-34.
- Whitesell, M., Bachand, A., Peel, J., & Brown, M. (2013). Familial, social, and individual factors contributing to risk for adolescent substance use. *Journal of Addiction*, 2013, 579310.